

## فصل پنجم: مالیات و انواع آن

در عمده کشورهای جهان مالیات مهم‌ترین منبع درآمد دولت است. و این مالیات‌ها گاهی فقط منحصر به درآمد دولت نیست بلکه جنبه‌های دیگری هم دارد مثلاً از دیدگاه مکان اقتصادی مالیات‌ها یکی از عمده‌ترین ابزار سیاست‌های اقتصادی دولت است و از نظر خود اقتصادی مالیات‌ها دو اثر عمده‌ی «تخصیص و توزیع» را دارند.

هر چه سهم درآمد مالیاتی نسبت به درآمد ملی بیشتر باشد تأثیر تغییر در سیاست‌های مالیاتی بیشتر خواهد بود.

هر مالیاتی از دو جزء تشکیل شده است. که عبارتند از: «پایه و نرخ مالیات» پایه مالیاتی معیار یا ارزشی است که مالیات بر آن برقرار می‌شود.

نرخ مالیات تعیین‌کننده‌ی نسبتی از پایه مالیاتی است که باید پرداخت شود. در کشور ایران مالیات را بر انواع پایه‌های مالیاتی مثل: مالیات بر دستمزد، مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر ارث، و غیره داریم.

### انواع مالیات‌ها

#### 1- مالیات بر ذخیره ثروت در مقابل مالیات بر جریان درآمد:

مالیات بر دارایی املاک و ساختمان‌ها یا مالیات بر ارث از نوع مالیات بر ذخیره است. در حالی که مالیات بر دستمزد و حقوق و مالیات بر فروش یک کالا مالیات بر جریان است.

#### 2- مالیات تصاعدی - نسبی و تنازلی:

اگر بار مالیات بر خانوارها به صورت یک نسبت ثابت باشد آن را مالیات نسبی می‌گوییم. مالیاتی که از صاحبان درآمد بالا با نرخ بیشتری نسبت به دارندگان درآمد پایین کسب شود مالیات تصاعدی و مالیاتی که از صاحبان درآمد بالا با نرخ کمتری نسبت به دارندگان درآمد پایین کسب شود مالیات تنازلی می‌گویند. مثلاً مالیات بر مصرف نوشابه 50٪ است اگر دو خانوار یکی درآمد بالا و یکی درآمد پایین داشته باشد هر دو باید یک مبلغ را برای خرید نوشابه بپردازند.

#### 3- نرخ نهایی و نرخ متوسط مالیات:

نرخ متوسط مالیات از تقسیم کل مالیاتی که پرداخت می‌شود بر درآمد کل به دست می‌آید. و نرخ نهایی مالیات نرخ مالیاتی است که شما برای هر افزایش در درآمد خود می‌پردازید. یکی از عمده مسائلی که دولت با آن روبروست مسئله عدالت در توزیع مالیات است. یکی از نظریه‌هایی که انصاف در پرداخت مالیات را توجیه می‌کند نظر مالیات مبتنی بر اصل فایده است. اصل دیگری که برای جبران هزینه‌ها و کالاها و خدمات عمومی مناسب است اصل توانایی است. این اصل بر این تفکر مبتنی است که باید مالیات دهندگان براساس توانایی خود مالیات پرداخت کنند. این اصل دو مفهوم را به دنبال دارد:

1- برابری افقی 2- برابری عمودی

برابری افقی یعنی افراد با توانایی‌های پرداخت مشابه باید مالیات‌های یکسان پرداخت کنند. در حالی که برابری عمودی می‌گوید کسی که توانایی پرداخت بیشتری دارد باید مالیات بیشتری پرداخت کند.

**مصرف به عنوان پایه مالیاتی مناسب:**

برای سال‌های زیادی متداول بود که درآمد می‌تواند مناسب‌ترین منبع مالیاتی محسوب شود و به دنبال آن مالیات‌های مستقیم از غیرمستقیم طرفداران بیشتری داشت. فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم توماس هابر معتقد بود که مردم باید براساس آنچه که مصرف می‌کنند مالیات بدهند نه با توجه به درآمد آن‌ها.

بعد از توماس هابر «فیشر» در قرن بیستم معتقد بود که مالیات بر درآمد مالیات مضاعف است و باعث کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری می‌شود.

**درآمد به عنوان یک پایه مالیاتی مناسب:**

طرفداران آن معتقدند که افراد نه براساس آنچه که مصرف می‌کنند بلکه با توجه به امکانات کسب درآمد شامل مالیات شود.

**ثروت به عنوان مناسب‌ترین پایه‌ی مالیاتی:**

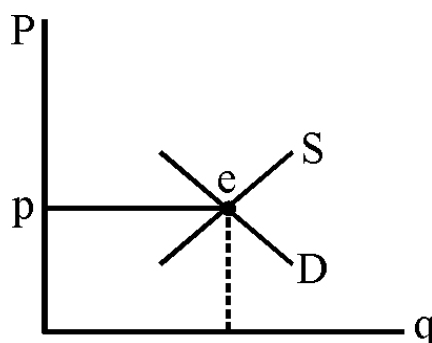
بسیاری معتقدند مجموع ثروت فرد معیار توانایی مالی و توانایی پرداخت محسوب می‌شود.

## فصل ششم: تأثیرات مالیات بر بازار

### مالیات بر واحد فروش:

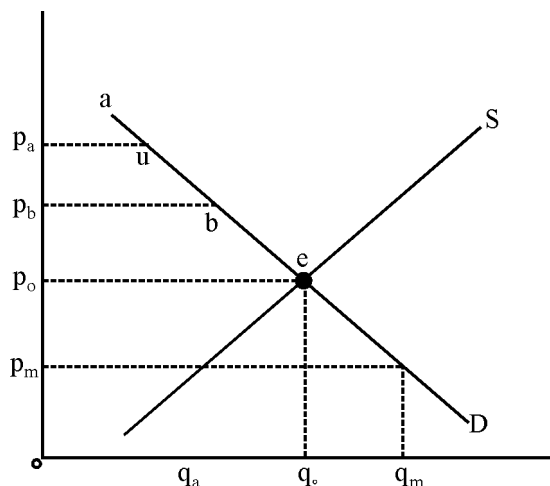
مثلاً اگر دولت بر فروش هر بطری نوشابه مالیات به مقدار 20 ریال برقرار کند. چنین مالیاتی «مالیات بر فروش» خواهد بود.

بازار نوشابه را در شکل یک قبل از برقراری مالیات نشان داده‌ایم. قبل از مالیات شرایط قیمت برای مصرف کننده و تولید کننده برابر است و برابر  $p_0$  است.



شکل: بازار نوشابه و سطح تولید و قیمت قبل از برقراری مالیات بر نوشابه

در شکل (2) بازار نوشابه به تأثیر مالیات بر واحد فروش نوشابه در بازار نوشابه قیمت عرضه کننده و مصرف کننده را از یکدیگر مجزا می‌کند.



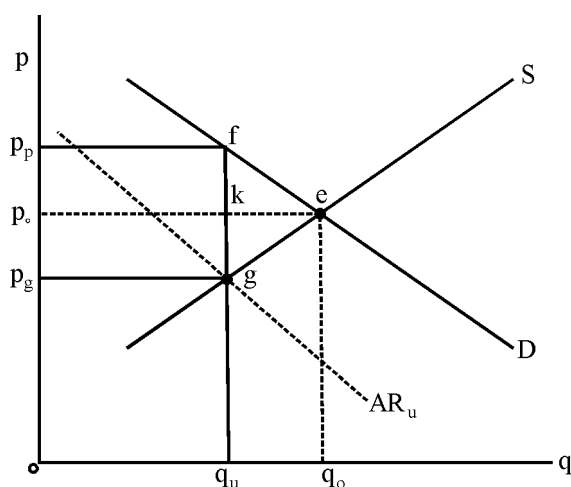
در شکل (3) تعادل جدید در جایی خواهد بود که عرضه کننده قیمتی برابر هزینه‌ی نهایی

تولید دریافت کند و مصرف کننده قیمتی برای فایده نهایی پرداخت کند. چون اگر هزینه نهایی برای عرضه کننده کمتر از قیمت دریافتی باشد او تولید را افزایش می دهد و اگر بیشتر باشد تولید نخواهد کرد. از طرف دیگر مصرف کننده حاضر نیست که قیمتی بیش از مانده نهایی خود بپردازد و اگر فایده نهایی او بیشتر از قیمت بازار شد تمایل خواهد داشت که مقدار بیشتری مصرف کند.

تعداد پس از مالیات بر واحد  $u$  در سطح تولید  $q_u$  خواهد بود یعنی جایی که منحنی عرضه منحنی درآمد متوسط خالص (ARU) یکدیگر را قطع می نمایند. در اینجا قسمتی که مصرف کننده می پردازد  $p_f$ ، عرضه کننده نیز قیمت  $p_g$  را دریافت می کند که برابر است با:

$$p_g = p_f - u$$

که این قیمت برابر هزینه نهایی تولید می باشد.



شکل: بازار نوشابه مالیات بر واحد فروش در بازار نوشابه باعث می شود که سطح تولید نوشابه از  $q_0$  به  $q_u$  کاهش یابد.

$$\text{مالیات سهم مصرف کنندگان} = (p_f - p_0) \times q_u$$

مقدار مالیات پرداخت شده توسط مصرف کنندگان در شکل (3) با مستطیل  $p_f k p_0$  تعیین

می شود.

$$\text{سهام مالیات عرض کنندگان} = (p_0 - p_g) \times q_u$$

و با مستطیل  $p_g g k p_0$  نشان داده شده در شکل (3)

درآمد مالیاتی دولت برای هر واحد از خرید و فروش نوشابه:

$$\text{درآمد مالیاتی دولت} = (p_f - p_g) \times q_0$$

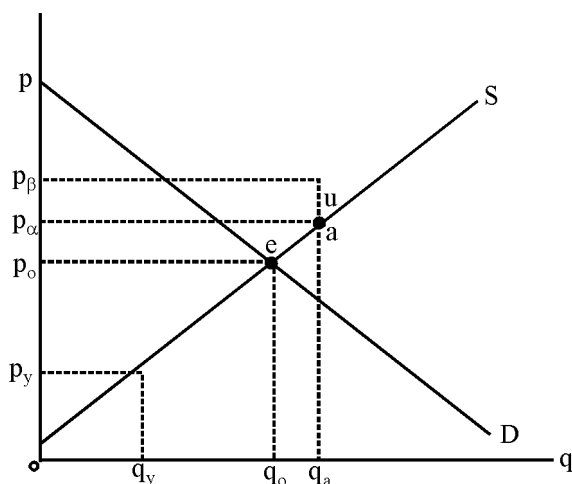
درآمد مالیاتی دولت از جمع مالیات‌های پرداختی مصرف کنندگان و عرضه کنندگان بدست می‌آید.

$$(p_f - p_0) \times q_u + (p_0 - p_g) \times q_u = (p_f - p_g) \times q_u$$

و در شکل (3) درآمد مالیاتی قسمت  $p_g g f p_f$  است.

در شکل (4) قیمتی که متقاضی برای واحد تولید  $q_a$  باید بپردازد  $p_a$  نخواهد بود بلکه با توجه

مقدار مالیات  $(p_a + u)$  قیمتی است که متقاضی باید پرداخت کند. که آن را با  $p_\beta$  نشان می‌دهند.



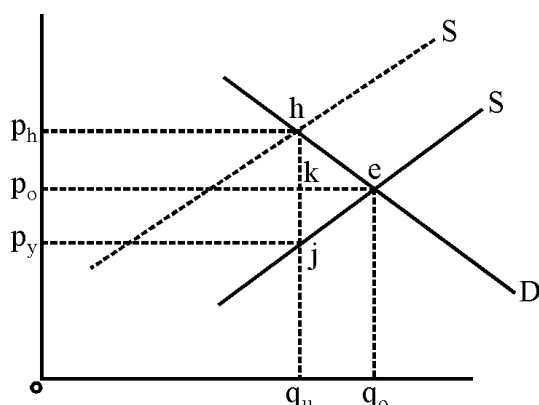
شکل: بازار نوشابه تأثیر مالیات بر قیمت برای متقاضی در بازار نوشابه و تغییر قیمت برای عرضه کننده و

### متقاضی بازار

در شکل (5) محل برخورد منحنی تقاضای  $D$  و منحنی جدید  $S$  موقعیت جدید تعادل در بازار

نوشابه را نشان می‌دهد. پس از مالیات برواحد به مقدار  $u$  سطح تولید نوشابه به  $q_u$  کاهش می‌یابد.

قیمت برای عرضه کننده  $p_y$  است و قیمت برای متقاضی  $ph = p_y + u$  است.



شکل 5: مالیات بر واحد بازار نوشابه و تأثیر آن از طریق جابجایی منحنی عرضه بازار

با توجه به قیمت قبل و بعد از مالیات برای متقاضی  $(p_h - p_0)$ ، مقدار مصرف  $q_u$  نوشابه

سهم مالیات متقاضی به صورت زیر بدست می‌آید:

$$(p_h - p_0) \times q_u = \text{سهم مالیات متقاضی}$$

سهم مالیات عرضه کننده:

$$(p_0 - p_y) \times q_u = \text{سهم مالیات عرضه کننده}$$

مجموع مالیاتی که عرضه کنندگان و مصرف کنندگان می‌پردازند برابر درآمد مالیاتی دولت

است:

$$(p_h - p_y) \times q_u = u \times q_u = \text{درآمد مالیاتی دولت}$$

در دو نمودار الف و ب در شکل (6) در حالت منتهی الیه از کشش منحنی عرضه نشان داده

شده است. پس از برقراری مالیات بر واحد به مقدار  $u$  منحنی درآمد متوسط خالص برای عرضه

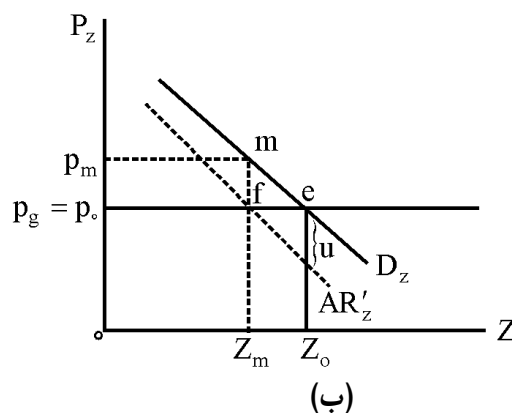
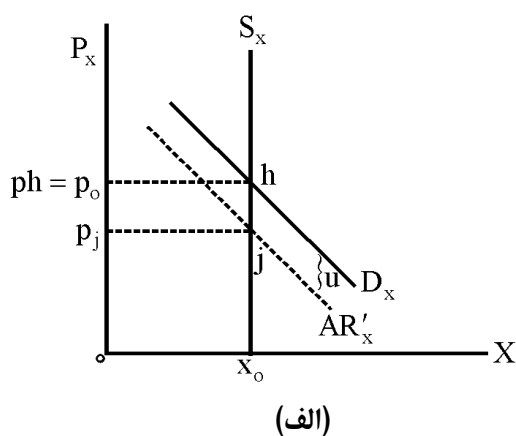
کننده به صورت  $AR'_X$  خواهد بود که همه جا قیمت پرداختی مصرف کننده منهای مالیات  $u$  را

نشان می‌دهد. در سطح تولید  $X_0$  قبل از مالیات قیمت برای مصرف کننده و عرضه کننده برابر  $p_0$

است. پس از مالیات از آنجا که منحنی عرضه کاملاً بی‌کشش است مسطح تولید تغییر نکرده و در

$X_0$  باقی می‌ماند اما قیمت برای عرضه کننده به صورت زیر خواهد بود:

$$p_j = p_0 - u$$



الف: منحنی عرضه برای کالای X قیمت پس بدون کشش است. قیمت پس از مالیات برای عرضه کنندگان دقیقاً به اندازه‌ی مالیات بر واحد u کاهش می‌یابد.

ب: منحنی عرضه برای کالای Z کاملاً کشش پذیر است از مالیات برای متقاضی دقیقاً به اندازه مالیات بر واحد u افزایش می‌یابد.

$$(p_0 - p_j) \times x_0 = u \times x_0 = \text{مالیات سهم عرضه کننده}$$

$$(p_h - p_0) \times x_0 = 0 \times x_0 = \text{سهم مالیات مصرف کنندگان صفر}$$

هر چقدر کشش منحنی کمتر باشد سهم مالیات عرضه کنندگان بیشتر و سهم مصرف کنندگان کمتر است. در نمودار الف شکل (6) که کشش عرضه صفر است، کلیه مالیات به وسیله عرضه کنندگان پرداخت می‌شود و متقاضیان مالیات نمی‌پردازند.

در شکل (ب) در شکل 6 منحنی عرضه کاملاً کشش پذیر است. تأثیر مالیات بر واحد به مقدار u را با جابجایی منحنی درآمد متوسط خالص، عرضه کننده نشان می‌دهیم محل برخورد منحنی عرضه و منحنی درآمد متوسط خالص  $AR'_Z$  تعادل جدید عرضه و تقاضا برای کالای Z را در  $Z_m$  نشان می‌دهند. قیمت برای مصرف کننده به  $p_0$  افزایش می‌یابد و قیمت پس از مالیات دقیقاً

$$p_m = p_0 + u \text{ به اندازه‌ی مالیات بر واحد یعنی } u \text{ بیشتر از قیمت قبل از مالیات است:}$$

## مالیات منفی بر واحد یا سوبسید بر واحد فروش در بازار رقابتی:

با توجه به اثرات درآمدی مالیات‌ها گاهی دولت با هدف انتقال درآمد به مصرف‌کنندگان یا عرضه‌کنندگان یک کالا مبادرت به برقراری مالیات منفی یا سوبسید می‌نماید. یکی از هدف‌های اساسی اقتصادی دولت، توزیع مناسب درآمد است.

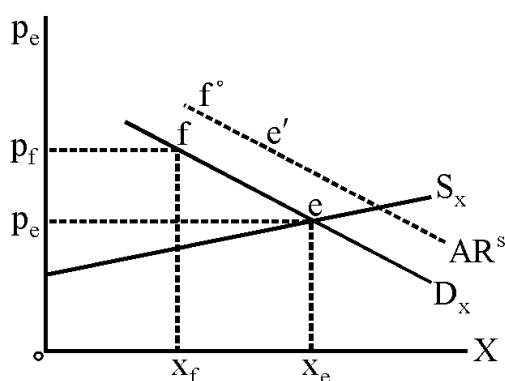
عمده‌ترین وسیله‌ای که جهت جابجایی و انتقال درآمد در اختیار دولت قرار دارد، سوبسید است.

### سوبسید مستقیم یا غیرمستقیم:

سوبسیدها می‌توانند مستقیماً به فرد یا افراد خاصی منتقل می‌شود. یا غیرمستقیم از طریق بازار کالا یا نهاده معنی بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان توزیع شوند.

### سوبسید بر واحد در یک بازار رقابتی:

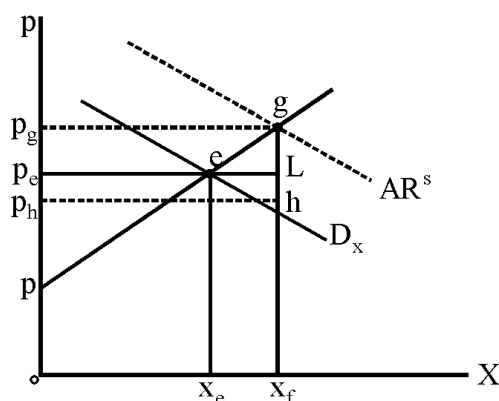
در نمودار شکل (7) منحنی عرضه و تقاضای گندم را به ترتیب  $D_x$  و  $S_x$  نشان می‌دهیم از آنجا که در سطح تولید  $X_e$  هزینه نهایی تولید برابر فایده نهایی برای مصرف‌کننده است، حداکثر کارایی وجود دارد. قیمت برای مصرف‌کننده و تولیدکننده برابر  $p_e$  می‌باشد. از آنجا که گندم کالای ضروری و مورد استفاده و مصرف همه‌ی گروه‌ها بخصوص مشترک درآمد است. دولت سوبسیدی بر هر واحد تولید گندم به مقدار  $S$  برقرار می‌کند.



شکل: سوبسید بر هر واحد بازار گندم

وقتی دولت سوبسیدی برابر  $S$  بر هر واحد برقرار می‌کند برای هر سطح تولید قیمت مورد انتظار

عرضه کننده یا درآمد متوسط خالص برای عرضه کننده به مقدار  $S$  نسبت به گذشته افزایش می‌یابد. مثلاً برای سطح تولید  $x_e$  قیمت برای عرضه کننده برای  $e'x_e = p_e + S$  خواهد شد و در سطح تولید  $x_f$  این قیمت  $f'x_f = pf + S$  (منحنی  $AR^S$  منحنی درآمد متوسط خالص عرضه کننده پس از برقراری سوبسید می‌باشد).



در شکل (8) سوبسید بر واحد به مقدار  $S$  منحنی درآمد متوسط خالص برای عرضه کننده را به  $AR^S$  جابجایی می‌کند و سطح تولید جدید از محل برخورد این منحنی و منحنی عرضه در  $g$  بدست می‌آید. سطح تولید پس از سوبسید  $x_g$  خواهد بود.

در شکل (8) قیمت برای عرضه کننده  $p_g$  و قیمت برای متقاضی  $p_h$  است. به صورتی که:  $(p_g = p_h + S)$  یعنی قیمت دریافتی عرضه کننده برابر است با قیمت پرداختی مصرف کننده به اضافه مقدار سوبسید.

$$(p_e - p_h) \times x_g = \text{سهام سوبسید مصرف کنندگان}$$

(در نمودار شکل (8) سهم متقاضیان با سطح  $p_e L h p_h$  مشخص شده است.)

$$(p_g - p_e) \times x_g = \text{کل سوبسید انتقال یافته به عرضه کنندگان}$$

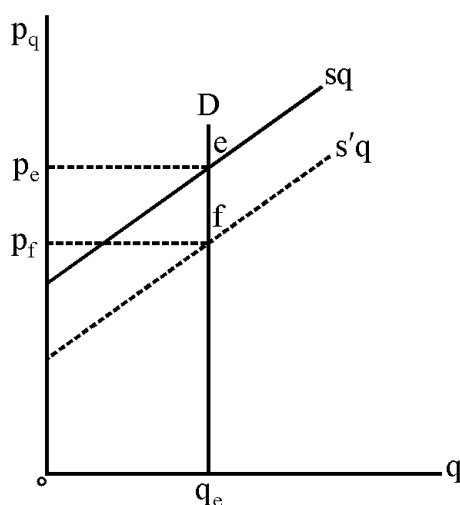
(در شکل (8) سهم سوبسید عرضه کنندگان با  $p_e L_g p_g$  مشخص شده است.)

مقدار سهم سوبسید مصرف کنندگان و عرضه کنندگان بستگی به کشش منحنی‌های عرضه و تقاضا دارد.

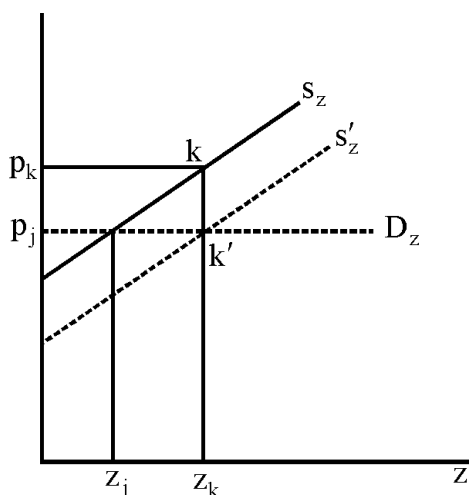
نمودار الف شکل (9) موردی را نشان می‌دهد که منحنی تقاضا کاملاً بدون کشش است. از آنجا که تقاضا کاملاً بدون کشش است سطح تولید پس از سوبسید تغییر نکرده و در مقدار قبلی  $q_e$  باقی می‌ماند. با توجه به منحنی عرضه جدید بازار  $S'_q$  قیمت برای متقاضی به  $p_f$  کاهش می‌یابد. در حالی که عرضه کننده قیمت قبل از سوبسید  $p_e$  را دریافت می‌کند که برابر هزینه‌ی نهایی تولید است. تفاوت این دو قسمت به وسیله‌ی دولت پرداخت می‌شود.

در اینجا همه سوبسید متوجه مصرف کننده می‌شود.

$$(p_e - p_f)q_e = SXq_e$$



شکل الف: منحنی تقاضا برای کالای  $q$  کاملاً بی کشش است. قیمت پس از سوبسید برای مصرف کنندگان دقیقاً به میزان سوبسید بر واحد  $S$  کاهش می‌یابد.



شکل ب: منحنی تقاضا برای کالای  $Z$  کاملاً کشش پذیر است. قیمت پس از سوبسید برای عرضه کننده به  $p_k$  افزایش می‌یابد.

در شکل (ب) کلیه‌ی سوبسید پرداختی دولت متوجه عرضه کنندگان می‌شود. یعنی:

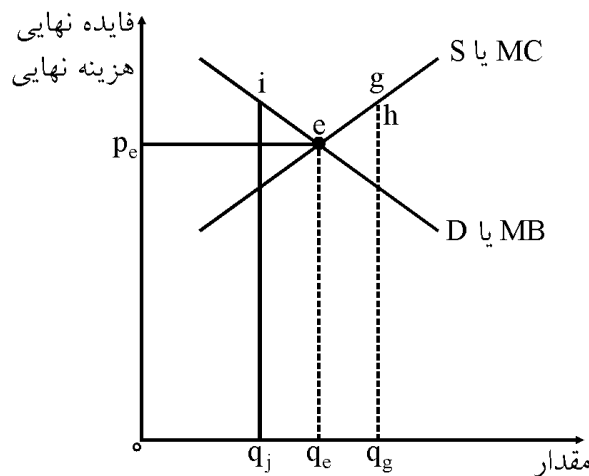
$$(p_k - p_j)Z_k = S \times Z_k$$

هر چه کشش منحنی تقاضا کمتر باشد سهم سوبسید متقاضی بیشتر و هر چه کشش منحنی تقاضا بیشتر باشد سهم سوبسید عرضه کننده بیشتر و هر قدر کشش منحنی عرضه کمتر باشد سهم سوبسید عرضه کننده بیشتر و هر چه کشش منحنی عرضه بیشتر باشد سهم عرضه کننده کمتر و سهم متقاضی بیشتر می‌شود.

### مالیات و سوبسید در بازار رقابتی و اثرات تخصیص منابع:

اگر در بکارگیری از مالیات‌ها و سوبسیدها نتایج ناشی از جابجایی منابع نادیده گرفته شود و فقط موضوع توزیع درآمد مدنظر باشد این خطر وجود دارد که تخصیص منابع به ضرر رفاه جامعه

شود و در نهایت درآمد کل جامعه کاهش



می‌یابد.

MB = فواید نهایی

MC = هزینه نهایی

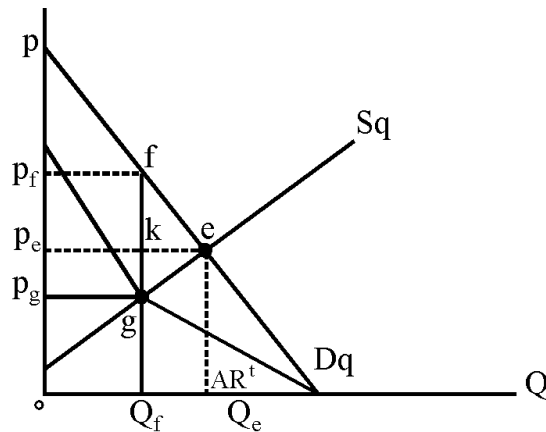
شکل 10: بازار رقابت کامل در نبود پیامدهای خارجی سطح تولید کارآمد ایجاد می‌کند.

### مالیات و سوبسید بر قیمت فروش در بازار رقابتی:

مالیات بر قیمت فروش:

از انواع دیگر مالیات‌های غیرمستقیم است. برعکس مالیات بر واحد که در هر سطح قیمت و

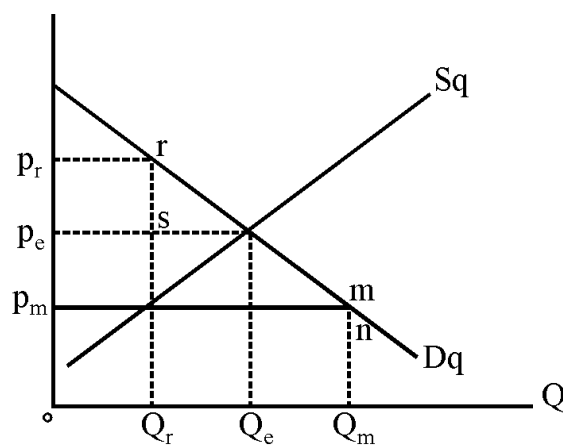
تولید مالیات بر واحد فروش بدون تغییر باقی می‌ماند. در مالیات بر قیمت فروش هر چند که نرخ مالیاتی ثابت می‌ماند ولی با تغییر در قیمت و سطح تولید مقدار مالیات بر واحد فروش تغییر خواهند نمود.



شکل 11: معرفی تأثیر مالیات بر قیمت با نرخ 25 درصد جابجایی منحنی درآمد متوسط خالص

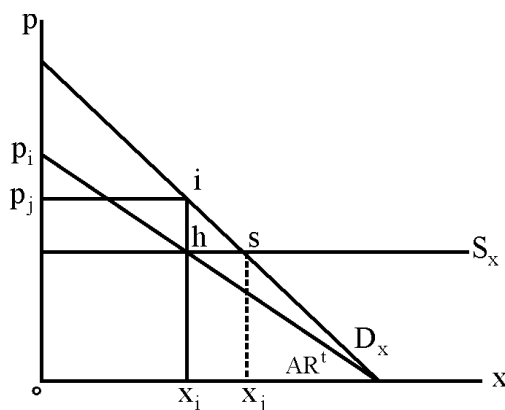
در این نمودار منحنی تقاضا برای کالای Q را با  $Dq$  و منحنی عرضه (هزینه‌ی نهایی) را با  $Sq$  نشان داده‌ایم.

در شکل (12) پس از مالیات بر قیمت سطح تولید  $Q_f$  بدست می‌آید. برای مالیات بر واحد طرح شده سهم مالیات مصرف کننده روی منحنی  $AR^t$  و برابر  $p_g$  مشخص شده است. سهم مالیات مصرف کننده و عرضه کننده به ترتیب با  $p_f k p_e$  و  $p_g g k p_e$  تعیین می‌شوند.



شکل 12: تأثیر مالیات بر قیمت در بازار رقابتی - سهم مالیات عرضه کنندگان و مصرف کنندگان

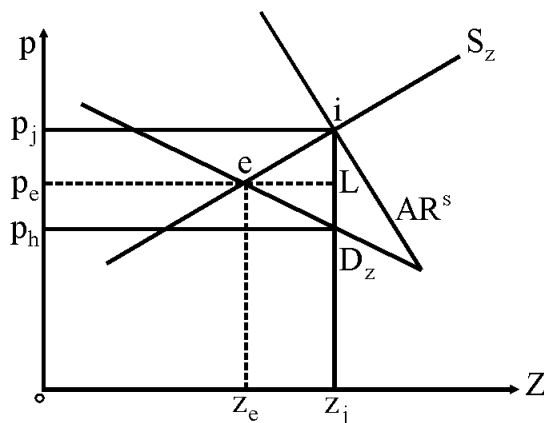
در شکل (13) فرض می‌کنیم که منحنی عرضه کاملاً کشش‌پذیر باشد. سطح تعادل تولید و قیمت به ترتیب  $X_j$  و  $p_j$  هستند. در نتیجه تمام مالیات که برابر  $p_i - p_j$  است به وسیله‌ی مصرف‌کننده پرداخت خواهد شد.



شکل 13: تأثیر مالیات بر قیمت در شرایطی که عرضه کاملاً کشش‌پذیر است.

#### سوبسید بر قیمت فروش:

در مقابل مالیات مثبت بر قیمت فروش می‌تواند مالیات منفی (سوبسید) بر قیمت فروش برقرار شود.



شکل 14: اثر سوبسید بر قیمت و سهم سوبسید مصرف‌کننده و عرضه‌کننده در بازار رقابتی

در شکل (14) محل برخورد منحنی‌های تقاضا ( $D_z$ ) و عرضه ( $S_z$ ) سطح تعادل را نشان می‌دهیم. قیمت برای عرضه‌کننده  $p_j$  است در حالی که مصرف‌کننده قیمت  $p_h$  را می‌پردازد.

مجموعاً سهم مصرف کنندگان برابر است با:  $p_e l h p_h$ .

سهم سوبسید عرضه کنندگان برای هر واحد از کالای  $Z$ ، تفاوت دو قیمت  $p_e$  و  $p_j$  است. در

نتیجه برای عرضه  $Z_j$  از کالای موردنظر داریم:  $p_e l j p_j$ .

هزینه‌ی سوبسید دولت از جمع این دو مقدار بدست می‌آید که باید برابر سوبسید بر هر واحد

یعنی  $p_j p_h = j h$  برای مقدار  $Z_j$  از کالای  $Z$  است.

$$p_e l h p_h + p_e l j p_j = p_j j h p_h$$

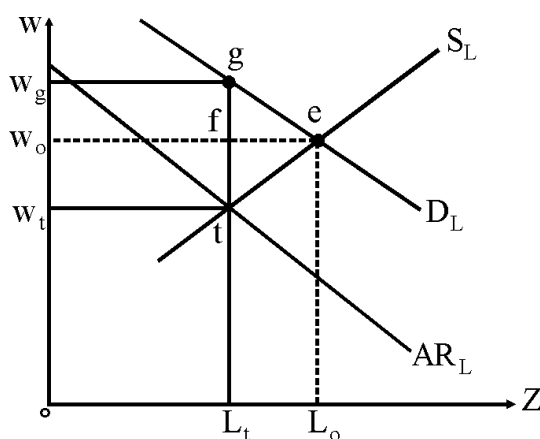
**مالیات بر واحد یا قیمت در بازار نهاده‌ها:**

کسورات بازنشستگی، یک مالیات بر دستمزد تلقی می‌شود که معمولاً با یک نرخ ثابتی برقرار

می‌شود. در نمودار شکل (15) بازار کار نشان داده می‌شود. محور افقی ساعات کار و محور عمودی

دستمزد بر حسب ساعت را اندازه‌گیری می‌کنند.

به ترتیب مقدار کار و دستمزد تعادلی را با  $L_0$  و  $W_0$  نشان می‌دهیم.



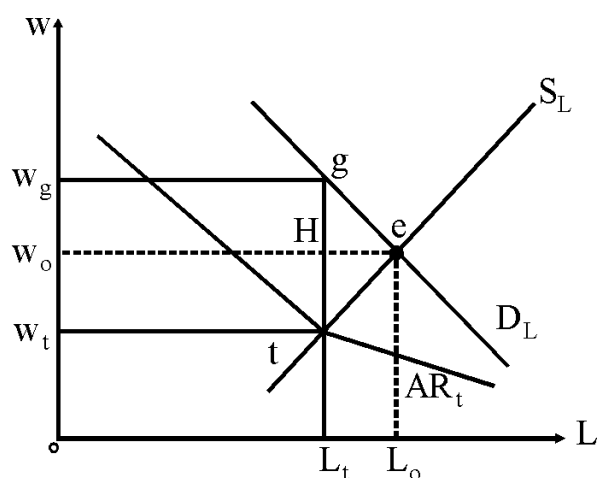
شکل 15: بازار کار تأثیر مالیات بر لیست حقوق در بازار کار و تحلیل پرداخت کننده مالیات

اگر منحنی عرضه را کاملاً بدون کشش در نظر بگیریم کل مالیات پرداختنی به عرضه کننده کار

منتقل می‌شود یا برعکس اگر منحنی عرضه کاملاً کشش پذیر در نظر گرفته شود. تمام مالیات بر

عهدی متقاضی خواهد بود. این مورد را در نمودار شکل (16) نشان می‌دهیم. دستمزد دریافتی

عامل کار  $W_t$  و دستمزد پرداختی متقاضی  $W_g$  هستند.



شکل 16: تأثیر مالیات بر دستمزد و نحوه‌ی انتقال مالیات برای وقتی که منحنی عرضه کشش پذیر باشد.

سهم مالیات متقاضیان  $W_g g H W_0$

سهم مالیات عرضه کنندگان  $W_t t H W_0$

### مالیات و سوبسید در بازار انحصار کامل:

اگر سطح تولید کمتر از سطح تولید کارآمد باشد عدم کارایی در بازار انحصار کامل وجود دارد.

این عدم کارایی ناشی از استفادی کمتر از نهاده‌ها در تولید کالا است.

برقراری مالیات بر قیمت در بازار انحصاری می‌تواند اثر عدم کارایی کمتری نسبت به مالیات بر

واحد داشته باشد. سطح تولید نسبت به قبل از سوبسید افزایش می‌یابد. یعنی سوبسید بر واحد و

قیمت در بازار انحصار کامل منجر به افزایش تولید می‌شود.

### نحوه انتقال مالیات و سوبسید به مصرف کننده:

مالیات در بازار انحصار کامل باعث کاهش قیمت برای انحصارگر و کاهش سود خالص او خواهد

شد هر چند که قیمت برای مصرف کننده افزایش می‌یابد.

سوبسید پرداختی باعث می‌شود که قیمت برای مصرف کننده کاهش یابد و بخشی از سوبسید

متوجه مصرف کننده می شود.

## مالیات بر درآمد اشخاص:

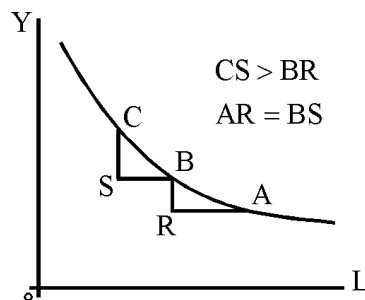
بسیاری از اقتصاددانان طرفدار مالیات بر درآمد هستند. آنان اعتقاد دارند که این مالیات اثر جابجایی ندارد و وسیله‌ی بسیار مناسبی برای تعدیل ثروت یا اجرای سیاست توزیع مناسب درآمد می باشد. و مالیات بر درآمد نرخ تصاعدی دارد. دولت درآمد مالیات بر درآمد اشخاص را با یکبار در سال دریافت می کند.

## مالیات بر دستمزد و حقوق:

عامل کار ساعات فراغت خود را برای کار کردن و کسب درآمد ارائه می کند. از آنجا که این ساعات فراغت برای شخص مطلوبیت دارد، برای عرضه آن درخواست قیمتی را می نماید.

$$\frac{\delta u}{\delta y} > 0 \quad , \quad \frac{\delta u}{\delta L} > 0 \text{ در اینجا (L) ساعات فراغت و (y}_1\text{) درآمد است.}$$

یعنی افزایش درآمد و فراغت مطلوبیت شخصی را افزایش می دهد.



شکل 17

## مالیات بر شرکتها:

اقتصاددانان چنین بحث می کنند که به هر صورت که به شرکتها شخصیت حقوقی داده شود بالاخره این اشخاص هستند که مالیات نهایی را می پردازند نه شرکتها. در نتیجه هر سهامداری

بابت سود سهام خود از شرکت‌ها دو بار مالیات می‌پردازد. یک بار تحت عنوان مالیات بر شرکت‌ها و یکبار مالیات بر درآمد.

سود یک بنگاه تولید کننده که از دو عامل کار و سرمایه بهره می‌برد:  $\Pi = R - WL - rK$

سود ناخالص:  $\Pi = R - WL - \theta rK$

## استهلاک

استهلاک خط مستقیم:

در این روش اگر عمر یک دارایی سرمایه‌ای  $T$  سال باشد بنگاه هر سال  $\frac{1}{T}$  از آن را تحت عنوان

هزینه‌ی استهلاک به حساب می‌آورد و قابل کسر کردن از درآمد شرکت می‌باشد.

**روش استهلاک صد و پنجاه درصد:**

در این روش یک و نیم برابر روش خط مستقیم معیار محاسبه‌ی ذخیره استهلاک قرار می‌گیرد.

با توجه به این روش سال اول صد و پنجاه درصد ارزش سرمایه مستهلک نشده مأخذ قرار می‌گیرد.

با این روش سرعت استهلاک سرمایه بیشتر می‌شود و یک صرفه‌جویی در پرداخت مالیات به دنبال دارد.

**روش استهلاک دویست درصد:**

در این روش دو برابر نرخ استهلاک خط مستقیم معیار محاسبه ذخیره استهلاک است. این

روش باز هم سریع‌تر سرمایه را مستهلک می‌کند و صرفه‌جویی مالیاتی بیشتر می‌شود.

**روش کسر جمع سال‌های عمر سرمایه:**

این روش براساس یکسری نرخ‌های متفاوت برای سال‌های مختلف صورت می‌گیرد. معیار

محاسبه‌ی کسری است که مخرج آن جمع سال‌های عمر سرمایه را نشان می‌دهد.

## فصل هفتم: بودجه

### تعریف بودجه:

همراه با پیدایش پارلمان و حکومت دموکراسی نگهداری حساب و کتاب دولت‌ها اجباری و تحت ضوابط مشخصی قرار گرفت. حساب و کتاب درآمد هزینه‌های دولت در یک چارچوب معین را بودجه می‌نامند.

اولین تعریف قانونی از بودجه که در تاریخ حقوق مالی و مالیه عمومی ایران ارائه شد در ماده یک قانون محاسبات عمومی ایران مصوب تاریخ 21 صفر 1339 است که اینگونه تعریف شده است: «بودجه دولت سندی است که معادلات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش‌بینی و

تصویب می‌شود. مدت مزبور را سنه مالی می‌گویند که عبارتست از یک سال شمسی است.»

تعریف دوم قانونی بودجه از قانون محاسبات عمومی مصوب اسفند 1312 شمسی است که بودجه را چنین تعریف می‌کند:

«بودجه لایحه‌ی پیش‌بینی کلیه‌ی عواید و مخارج مملکتی است که برای مدت یکسال شمسی است.»

سومین تعریف قانونی در قانون محاسبات عمومی مصوب 15 دی ماه سال 1349 است که

بودجه را چنین تعریف می‌کند:

«بودجه‌ی کل کشور برنامه‌ی مالی دولت است که برای یکسال مالی تهیه می‌شود و حاوی

پیش‌بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه‌ها برای انجام عملیاتی است که منجر به وصول و هدف‌های دولت می‌شود. که از سه قسمت تشکیل می‌شود:

1- بودجه‌ی عمومی دولت

2- بودجه‌ی شرکت‌های دولتی

3- بودجه‌ی مؤسساتی که تحت عنوان غیر از عناوین فوق در بودجه‌ی کل کشور منظور می‌شود.»

براساس ماده یک قانون محاسبات عمومی فوق بودجه از چهار مرحله تشکیل می‌شود:

1- تهیه و تنظیم، 2- تصویب، 3- اجرا، 4- نظارت

### 1- تهیه و تنظیم بودجه:

در ایران ابلاغ بخشنامه بودجه به عهده‌ی رئیس جمهور است.

پیشنهاد درآمد بودجه‌ی عمرانی به وسیله‌ی وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت نفت انجام می‌پذیرد. در مرحله‌ی بعد بودجه‌های پیشنهادی به وسیله‌ی مدیریت‌های سازمان برنامه و بودجه بررسی می‌شود.

بودجه ارزی با توجه به پیشنهادهای رسیده به وسیله‌ی کمیسیون تخصیص ارز تهیه و درآمدهای دولت به وسیله‌ی گروه درآمد جمع‌بندی می‌شود. پس از بررسی و تأیید نهایی برای بررسی به هیئت دولت ارسال می‌شود و در مرحله‌ی نهایی به وسیله‌ی رئیس جمهور به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.

### 2- تصویب بودجه:

تصویب بودجه از وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی است. پس از تعدیل و انجام تغییرات لازم لایحه بودجه از طریق مخبر کمیسیون در جلسه‌ی علنی مجلس طرح شده و گزارش کار کمیسیون تقدیم مجلس می‌شود. بودجه پس از تصویب و تأیید شورای نگهبان به وسیله‌ی رئیس مجلس به ریاست جمهوری ارسال می‌شود و رئیس جمهور به اجرای بودجه موظف می‌باشد.

### 3- اجرای بودجه:

رئیس جمهور و قوه‌ی مجریه مسئول اجرای بودجه می‌باشند. پس از ابلاغ قانون بودجه به دولت، مقدمات اجرای بودجه به وسیله‌ی دولت و دستگاه‌های اجرایی فراهم می‌شوند. این مقدمات عبارتند از: ابلاغ بودجه - مبادله موافقتنامه طرح‌ها و فعالیت‌ها و تخصیص اعتبار.

### 4- نظارت بودجه:

در ایران نظارت بودجه از سه طریق انجام می‌شود:

1- نظارت اداری، 2- نظارت قضایی، 3- نظارت پارلمانی

## 1- نظارت اداری:

منظور نظارتی است که توسط قوه مجریه یا به عبارتی دیگر توسط دستگاه اجرایی قبل از خرج یا هین خرج به عمل می‌آید.

## 2- نظارت قضایی:

توسط دیوان محاسبات به عمل می‌آید. و بنابر اصل پنجاه و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد».

## 3- نظارت پارلمانی:

قانونگذار خود را موظف به نظارت و کنترل بودجه مصوبه خود می‌داند و این نظارت را در جریان اجرای بودجه پس از خاتمه سال مالی اجرا می‌نماید.

### اصول بودجه:

#### اصل سالانه بودن بودجه:

عمدتاً بودجه برای یکسال تهیه می‌شود با توجه به سال قانونی در ایران عرفاً یکسال شمسی است. به این صورت که خط و مشی‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، عملیات، درآمد و هزینه‌های برای یکسال شمسی پیشگویی می‌گردد.

#### اصل تعادل بودجه:

در بسیاری از نوشته‌های صاحب‌نظران بودجه متأثر از اصل تعادل بودجه اصل دیگری تحت عنوان «اصل تقدم درآمدها بر هزینه» مطرح می‌نمایند.

به این مفهوم که ابتدا درآمدها باید مشخص شده و محاسبه گردد سپس براساس پیشگویی درآمد هزینه را پیشگویی نمایند تا از حد درآمد تجاوز نکند و تعامل به هم نخورد.

#### اصل وحدت بودجه:

اگر اصل وحدت بودجه رعایت نشود و در نتیجه دستگاه و سازمان برای خود بودجه‌ای داشته

باشد هماهنگی و تقارن منطقی و مکانی بین عملیات بخش‌های مختلف دولتی از میان خواهد رفت.

#### **اصل کاملیت یا جامعیت بودجه:**

ماده 24 قانون محاسبات عمومی مصوب 1312 اصل جامعیت بودجه را چنین تعریف می‌کند:

«کلیه عواید دولت باید به وسیله‌ی متصدیان مربوط مستقیماً به خزانه تحویل و کلیه مخارج در حدود قوانین و نظام‌های مربوط و مقررات راجع به هر نوع خرجی به موجب حواله و نظارت مستقیم وزارت مالیه به وسیله خزانه دولت پرداخته شود».

ماده 33 قانون محاسبات عمومی ایران مصوب 15 دی ماه 1349 اصل جامعیت را اینگونه

تعریف کرده است:

«بجوهری که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه‌ی عمومی دولت وصول

می‌شود و همچنین درآمدهای شرکت‌های دولتی به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های

سهامی بیمه ایران باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی ایران افتتاح می‌گردد تحویل گردد».

#### **اصل شاملیت یا تفصیل بودجه:**

دولت باید بودجه را بصورت مشروح و با جزئیات آن تهیه و تنظیم و به مجلس پیشنهاد نماید.

رعایت اصل شاملیت یا تفصیل بودجه امکان تجزیه و تحلیل پارلمان و تشخیص ضرورت اقلام

بودجه را منتفی می‌نماید.

#### **اصل تخصیص بودجه:**

دولت باید موظف باشد که در عمل مطابق آنچه که در بودجه تعیین و اجازه داده شده هزینه

نماید. نباید بودجه‌ی تخصیص پیدا کرده برای یک امر را خرج موضوع دیگر نماید چون در این

صورت نتیجه موردنظر از اصل شاملیت و کاملیت به بودجه حاصل نخواهد شد.

## فصل هشتم: سیاست‌های مالی دولت

کنیر در نظریه‌ها و نوشته‌های معروف خود لزوم دخالت دولت برای حفظ ثبات اقتصادی را مطرح نموده و استفاده از سیاست‌های اقتصادی به خصوص سیاست‌های مالی را توصیه نموده است.

سه ابزار عمده دولت عبارتند از:

مالیات‌ها، هزینه‌های دولت در بازار کالاها و خدمات و بازار کار و انتقالات دولت مثل پرداخت‌های بازنشستگی، پرداخت‌های جانب‌باختگان جنگی و غیره. ابزار فوق به طور مجموع «سیاست‌های مالی» خوانده می‌شود. عواملی که نتیجه فعالیت‌های اقتصادی جامعه و تصمیمات دولت هستند:

- 1- درآمد مالی، 2- سود و بهره پرداختی، 3- کسری یا مازاد بودجه، 4- مقدار بدهی.

عمده عامل تحت کنترل دولت نرخ مالیاتی است.

### مدل درآمد ملی:

مدل درآمد ملی با تعریف مجموع هزینه‌ها و مجموع ستاده‌ها آغاز می‌شود. در یک اقتصاد مجموع ستاده‌ها (Y) عبارتست از جمع ستاده‌ها حقیقی کالاها و خدمات نهایی. مجموع هزینه‌ها را با جمع هزینه‌ی مصرف و هزینه‌ی سرمایه‌گذاری تعریف می‌کنیم. در تعادل مجموع هزینه (AE) و درآمد برابر خواهد بود. حال اگر دولت را وارد اقتصاد فوق کنیم، یعنی درآمد هزینه بخش عمومی را در مدل درآمد ملی داخل نماییم، مدل درآمد ملی بصورت زیر معرفی می‌شود:

$$AE = C + I + G_C + G_I$$

C: هزینه‌های مصرفی بخش خصوصی

$G_C$ : هزینه‌های مصرفی بخش دولتی

I: هزینه‌ی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

$G_I$ : هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش دولتی

$$AE = C + I + G$$

مجموع هزینه‌های ملی را بصورت روبرو می‌نویسیم:

$$c = a + bY$$
 تابع مصرف:

اگر مالیات برقرار شده از طرف دولت به صورت خالص از انتقال‌های دولت را با T نشان دهیم.

$$C = a + b(Y - T)$$

تابع مصرف با حضور دولت به صورت روبرو می‌شود:

اگر درآمد قابل تصرف و یا درآمد قابل مصرف را با  $Y_d$  نشان دهیم می‌توانیم تابع مصرف را به

$$C = a + b(Y_d)$$

این صورت هم بنویسیم:

## تعادل:

$$Y = AE$$

تعادل یعنی برابری مجموع ستاده‌ها و مجموع هزینه‌ها یعنی:

$$Y = \underset{\downarrow}{C} + I + G$$

با این وجود می‌توان گفت:

$$Y = \underset{\downarrow}{a} + b(Y - T) + I + G$$

$$Y = \frac{1}{1-b}(a - bT + I + G)$$

در رابطه‌ی بالا  $\frac{1}{1-b}$  را ضریب افزایش می‌نامند و با K نشان می‌دهند. از آنجا که b میل نهایی

به مصرف است  $(1-b)$  میل نهایی به پس‌انداز است.

## تغییرات در مالیات‌ها:

کاهش مالیات‌ها باعث افزایش درآمد قابل تصرف می‌شود، ازدیاد درآمد قابل مصرف منجر به افزایش در مصرف و نهایتاً تولیدات بیشتر خواهد شد.

## ضریب مالیات:

وقتی که دولت هزینه‌های خود را افزایش می‌دهد یک تأثیر فوری و مستقیم در اقتصاد بوجود می‌آید. اما وقتی مالیات‌ها یک تومان کاهش یابد تأثیر مستقیم بر هزینه نخواهد داشت زیرا مجموع هزینه‌ها از جمع هزینه‌های مصرفی (c)، هزینه‌ی سرمایه‌گذاری (I) و هزینه‌های دولت (G) تشکیل می‌شوند.

برای بدست آوردن ضریب مالیاتی کافی است به تابع درآمد ملی زیر رجوع کنیم:

$$Y = \frac{1}{1-b}(a - bT + I + G)$$

$$-\frac{b}{1-b} = \text{ضریب تغییرات در مالیات‌ها}$$

## ضریب بودجه متعادل:

ضریب تعادل بودجه برابر واحد است.

تغییر در مالیات‌ها و هزینه‌های دولت درآمد ملی را متأثر می‌کند.